

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

باز تایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش پنجاه و هشتم

۰۶ نومبر ۲۰۱۴

۳- تحکیم دولت دموکراسی توده نی به مثابه شکل دیکتاتوری پرولتاریا

کنگره جبهه دموکراتیک خواستار آن شده بود که مجلس مؤسسان تشکیل شود. قانون انتخابات مجلس مؤسسان که در سپتمبر ۱۹۴۵ در شورای ضد فاشیست رهائی ملی به تصویب رسید به خواست مذکور تجسم بخشید. طبق قانون نامبرده تاریخ انتخابات ۲ دسمبر ۱۹۴۵ معین شد و مقرر گردید که انتخابات باید دموکراتیک و آزاد باشد و با رأی عمومی، مساوی، مستقیم و مخفی برگزار شود. هر فرد البانی که به سن ۱۸ رسیده بود صرف نظر از زن یا مرد حق انتخاب داشت. جنگاوران ارتش رهائی بخش ملی، بدون توجه به شرط سن، از این حق برخوردار بودند. وزرای دولت هائی خانن، جنایتکاران جنگ و کلیه کسانی که از حقوق مدنی محروم شده بودند مشمول حق رأی نمی شدند.

تصمیم خلق به پیشروی در راه حزب

انتخاب مجلس مؤسسان برای حزب مهمترین اقدام سیاسی به شمار می آمد و آزمایش بزرگی بود که پختگی خود و استعداد های سازماندهی خود، پیوند خود با توده ها و تصمیم خلق به پیشروی در راه حزب را بسنجد. حزب کمونیست البانی کاملاً تجهیز شد تا در این پیکار جدید با شعار «برای جمهوری توده نی» پیروز گردد. رفیق انور خوجه در پلنوم چهارم که مسأله انتخابات مجلس مؤسسان را مورد بررسی قرار داد در موقع صحبت از کاری که حزب می بایست در دوران پیکار انتخاباتی انجام می داد چنین گفت:

«خلق باید به طور مشخص ببیند که مردانی که میهن را از اشغالگران و خیانت پیشگان رهانیده اند قادر به حکومت اند، قادر اند برای این که زندگی اقتصادی و اجتماعی کشور را نوسازی کنند و بهبود بخشند. باید رفقاء با تجارب بزرگی از

پیکار انتخاباتی بیرون آیند. انتخابات باید برای آنها مکتبی باشد و آنها را برای حل سایر مسائلی که در پیش است مجهز گرداند»^۱

حزب رهنمود داد که انتخابات را به صورت رفراندوم توده‌ئی بزرگ در آورند و شرکت کلیه انتخاب کنندگان و پیروزی کامل جبهه دموکراتیک را تأمین کنند. حزب کمونیست البانی تصمیم گرفت که فهرست واحدی از نامزد های انتخابات داده شود. فهرست جبهه دموکراتیک. اما در اثر انحرافات اپورتونیستی **سیف الله مالیشوا** عده ای از نمایندگان ارتجاع در فهرست واحد وارد شدند و به روحانیون مسیحی پیشنهاد شد که به ائتلاف انتخاباتی بپیوندند.

از سوی دیگر نیرو های ارتجاعی داخلی و خارجی نیز کوشیدند که از پیکار انتخاباتی برای مقاصد خویش بهره بردارند. ارتجاع نخست در صدد بر آمد از عبارات قانون استفاده کرده به مثابه بلوک ضد جبهه با فهرست های نامزدان خود در انتخابات شرکت جوید. ولی پس از آن که این نخستین تشبث وی هیچ گونه پایگاهی در نزد خلق نیافت و با شکست روبه رو شد تاکتیک خویش را عوض کرد و به تحریم انتخابات توسل جست. وی به بهانه این که «دموکراسی وجود ندارد»، سر و کار ما با «دیکتاتوری حزب واحد» است، و قانون انتخابات «تساوی حقوق کلیه کسانی را که خواستار مطرح ساختن نامزدی خویش اند تأمین نمی کند»، و «ضد دموکراتیک» است، از خلق دعوت کرد که از شرکت در انتخابات امتناع ورزد. در چنین شرایطی بود که **ژرژ کوکوشی**، یکی از مهمترین سخنگویان ارتجاع و در عین حال عضو شورای ضد فاشیستی رهائی ملی، با سر و صدا از جبهه دموکراتیک بیرون رفت. سازمان غیر قانونی «باشکیمی کمبتار» (وحدت ملی) به رهبری روحانیون مرتجع کاتولیک به فعالیت دامنه داری برای تحریم انتخابات دست زد و برای آن که به اغراض خویش برسد با جنایتکاران فراری جنگ ارتباط گرفت و به ترور مبادرت جست.

سایر نمایندگان ارتجاع که در جبهه باقی مانده بودند آن قدرت را در خود نیافتند که اپوزیسیون آشکاری به وجود آورند. پس تصمیم گرفتند که تا پایان انتخابات در جبهه بمانند به این منظور که در زیر پرچم جبهه به مجلس مؤسسان راه یافته سپس در درون مجلس به تشکیل یک گروه، یک اپوزیسیون «قانونی» و یا یک حزب خاص دست بزنند.

امپریالیست های امریکائی و انگلیسی الهام بخش و سازمانده بلاواسطه فعالیت خصمانه ارتجاع داخلی بودند. آنها تمام امکانات را به کار بردند تا جبهه دموکراتیک در انتخابات دچار شکست سیاسی گردد. آنها نبرد تبلیغاتی علیه جبهه دموکراتیک و حزب کمونیست البانی به راه انداختند و من جمله با خشونت خواستار شدند که دولت دموکراتیک به افسران هیأت نظامی آنها در تیرانا اجازه دهد که بدون هیچ مانعی به نظارت در انتخابات پردازند.

امپریالیست های امریکائی و انگلیسی به ویژه مسأله به رسمیت شناختن دولت دموکراتیک البانی را وسیله فشار ساخته اطلاع دادند که دولت را فقط به آن شرط به رسمیت خواهند شناخت که اطمینان یابند که «انتخابات آزاد» عملی خواهد شد و «خبرنگاران خارجی اجازه خواهند یافت که جریان آن را آزادانه نظارت کنند». این امر تشبثی بود برای مداخله در امور داخلی کشور، زیرا که شرایط نامبرده در واقع به وسیله قانون انتخابات، به وسیله معنا و مضمون قدرت توده ئی و مجموعه فعالیت وی تأمین شده بود.

دولت امریکا شرایط دیگری نیز به پیش کشید و طلبید که به این مناسبت کلیه قراردادهائی که پیش از اپریل ۱۹۳۹ بین امریکا و البانی انعقاد یافته بود، به رسمیت شناخته شود.

دولت های امریکا و انگلستان اعلام داشتند که روابط دیپلماتیک عادی با دولت دموکراتیک البانی برقرار ساخته اند. ولی این امر جز فریب کاری سیاسی به ضد قدرت توده ئی نبود و بدین منظور صورت می گرفت که به ارتجاع داخلی جرأت و جسارت بدهند. واقعیت این است که دولت های مذکور حتی پس از انتخابات هم با البانی روابط سیاسی برقرار نکردند.

^۱ - انورخوجه. گزارش به چهارمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی، ۱۷ اکتوبر ۱۹۴۵. بایگانی مرکزی حزب.

حزب کمونیست البانی کلیه تشبثات جدید امپریالیست ها را به سختی رد کرد و به هیچ مداخله ای در امور داخلی البانی اجازه نداد. وی به منظور افشای هدف ها و تاکتیک ارتجاع خارجی و داخلی به تبلیغات پردامنه ای دست زد و موفق شد نیرو های خصومت پیشه را منفرد گرداند و به این وسیله وحدت سیاسی خلق را بر گرد خویش استوارتر سازد. موقعی که انتخابات در بحبوحه خود بود واقعه مهمی برای کشور ما روی داد. در نومر ۱۹۴۵ اتحاد شوروی دولت دموکراتیک البانی را به رسمیت شناخت و پس از او یوگوسلاوی، لهستان، بلغارستان، چکوسلواکی، فرانسه و سایر کشور ها نیز چنین کردند. به این طریق موقعیت بین المللی قدرت توده ئی در البانی تحکیم پذیرفت و اطمینان توده های خلق به این که آینده کشور تأمین شده است، قوت یافت.

تقریباً ۹۰ درصد از ثبت شدگان در انتخابات ۲ دسمبر شرکت کردند و ۹۳ درصد از رأی دهندگان به نامزد های جبهه دموکراتیک رأی دادند. این نخستین انتخابات دموکراتیکی بود که کشور به خود می دید، دموکراتیک از کلیه جهات. انتخابات مذکور برای خلق، برای جبهه و برای حزب به صورت مکتب سیاسی بزرگی در آمد.

حزب کمونیست البانی در این انتخابات پیروزی بزرگی به دست آورد و ارتجاع با شکست کامل روبه رو شد. این پیروزی حاکی از آن بود که خلق البانی، آزاد و حاکم بر سرنوشت خویش، سیاست حزب کمونیست البانی را کاملاً تأیید می کند و مصمم است که در راهی که حزب ترسیم کرده، بی تزلزل به پیش براند.

ادامه دارد...